

اصل تربیتی برخورد غیرمستقیم با جوان



حجت‌الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

یکی از دغدغه‌های جدید خانواده‌ها در عصر امروز، تربیت و نحوه برخورد با نوجوان و جوان در محیط خانواده و جامعه است. گاهی برخوردهایی از سر دلسوزی و با دغدغه تربیت اما به‌صورت نابجا باعث می‌شود که جوان و نوجوان ما واکنش منفی داشته باشد. درواقع این برخورد به‌اصطلاح اصلاحی موجب عدم اصلاح و بلکه افساد وواکنش‌های منفی وناارحت‌کننده می‌شود.بهترین راه حل در این زمینه، مثل هر موضوع دیگری، توجه به الگوی اهل بیت^(ع) است و باید دید که قرآن و اهل بیت^(ع) در این موضوع چه چیزی را پیشنهاد می‌کند و به چه موضوعی رهنمون می‌شود. یکی از آیات قرآن کریم که معمولادرباره اهمیت نماز و جایگاه نماز به‌آن پرداخته می‌شود، این آیه شریفه است: وَأَمُرُّهُلْکَ بِالصَّلَاةِ وَاضْطَبِرْ عَلَیْهَا لَأَسْأَلَکَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُکَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ، و خانواده‌ات را به نماز فرمان بده و خود نیز بر آن شکیبایی ورز؛ از تو رزقی نمی‌طلبیم، ما به توروzy می‌دهیم و عاقبت نیک برای پرهیزکاری است.

این آیه شریفه ضمن بیان اهمیت این عبادت بزرگ، یک نکته تربیتی مهم را گوشزد می‌کند و آن اینکه بین هزاران دستور و واجبات و محرمات بسیاری که وجود دارد، خداوند تبارک و تعالی تنها در یک مورد دستور داده که پیامبر خدا خانواده‌اش را امر کند و درباره آن سخت‌گیری نماید و آن موضوع نماز است. یکی از موضوعاتی که در بحث تربیتی و نحوه برخورد با نوجوان و جوان در خانواده‌های مذهبی تبدیل به معضل می‌شود، امر و نهی کردن درباره رفتارهای مختلف نوجوان و جوان و به اصطلاح امروزی گیردادن‌های متعدد به جزئیات رفتاری آن‌هاست، در حالی‌که این مدل رفتار می‌تواند موجب کلافگی و سرکشی فرد شود و این امر توصیه قرآن نیست. قرآن می‌گوید باید یک اصل مهم را انتخاب کرد و روی آن پافشاری نمود؛ اصلی که بتواند سایر خوبی‌ها را در پی داشته باشد که «چون صد آمد نود هم پیش ماست!» روایت شریفی از پیامبر خدا^(ص) وجود دارد که بر همین برخورد غیرمستقیم با جوان و نوجوان تأکید می‌کند،

رُوی: أَنْ فَتْنِیْ مِنْ الْأَنْصَارِکَانَ یُضِلُّی الصَّلَاةَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَبَرَزَتْکِبُ الْفَوَاحِشِ فَوْضَفَ ذَلِکَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: إِنَّ صَلَاتَهُ تَنْهَاءُ یَوْمًا مَا قُلْمٌ یَلِیْتُ أَنْ تَابَ.

(بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۱۹۸)

جوانی از انصار، نماز جماعت را با پیامبر خدا^(ص) می‌خواند و کارهای زشت مرتکب می‌شد. به حضرت رسول^(ص) خبر دادند. حضرت فرمود: بالاخره نمازش، روزی او را نجات می‌دهد و از کارهای زشت بازش می‌دارد. پس مدتی نگذشت که آن جوان توبه کرد.

در این روایت شریف به پیامبر خدا خبر می‌دهند که جوانی که هرروز پشت سر شما نماز می‌خواند، گرفتار فحشا و اعمال زشت است اما هیچ‌گاه این موضوع موجب نمی‌شود که پیامبر خدا با آن شخص برخورد مستقیم داشته باشند؛ حتی به دیگران توصیه نمی‌کنند که با آن جوان مستقیم برخورد کنند، بلکه پیامبر گوشزد می‌کنند اینکه این جوان اهل نماز است، نویدبخش اصلاح او در آینده است. البته در متن این روایت آمده است که پیش‌بینی پیامبر خدا محقق می‌شود و آن جوان پس از مدتی به مسیر درست بازمی‌گردد. این روایت درس‌های مختلف مهمی برای ما دارد؛ اینکه درباره موضوعات تربیتی، اصل را باید در برخورد غیرمستقیم قرار بدهیم و طوری زمینه‌سازی کنیم که جوان و نوجوان بتواند خودش مسیر درست را انتخاب کند و در معرض اصلاح و تربیت و کارهای صحیح قرار گیرد...

بردار و بخوان

حق الناس، حق که خدا آن را نمی‌بخشد

حمیده ذاکری | اسلام جایگاه مهمی برای حق الناس در نظر گرفته و در حوزه عبادات فردی، حق الناس مهم دانسته شده است. در تعلیم اسلامی گفته شده خداوند ممکن است از حق خود بگذرد، اما از حق الناس نمی‌گذرد، مگر اینکه

صاحب حق خودش ببخشد یا حتش به او بازگردانده شود.

در باب اهمیت حق الناس سخن بسیار گفته شده، اما موضوعی که اهمیت دارد، این است که مسلمانان آن را رعایت کنند. چون خداوند برای این حق تخفیفی قائل نمی‌شود. گفته شده است که حتی در قیامت اگر کسی حق الناس برگردان داشته باشد، باید جوا بگوید و بدون رضایت فرد صاحب حق بخشیده نمی‌شود. حق الناس در پیشگاه خداوند آن قدر اهمیت دارد که در احادیث آمده مدتی که اگر کسی نماز نخواند ولی حق الناس برگردنش نباشد، راحت‌تر بخشیده می‌شود تا کسی که حق الناس را ضایع کرده است، حتی اگر نماز و روزه‌اش کامل باشد. حق الناس در زندگی دینی اهمیت زیادی دارد و از موضوعات بسیار مهمی است که بی‌توجهی یا کم‌توجهی به آن، آثار زیان‌بار دنیوی و پیامدهای خطرناک اخروی به همراه دارد. بسیاری از گناهان مربوط به «حق...» به‌وسیله توبه و پشیمانی بخشیده می‌شوند، ولی تعدی در حق الناس و کوتاهی در این باب، هرچند بسیار اندک، بدون رضایت صاحب حق، بخشیدنی نیست و باید به نحوی جبران شود.

معمولاهنگام بحث از حق الناس، به حقوق جانی، مالی و آبرویی بسنده می‌شود و حال آنکه «حقوق خانوادگی»، «حقوق علمی، هنری و فرهنگی»، «حقوق سیاسی» و «حقوق اخلاقی» نیز از مصادیق حق الناس به شمار می‌رود و شایسته است با تکیه بر قرآن و احادیث معتبر، از اهمیت و نیز راه‌های جبران آن‌ها بحث شود. مطالعه و خواندن کتاب در موضوعات دینی یکی از راه‌هایی است که می‌توانیم به‌وسیله آن اطلاعات دینی مان را افزایش دهیم و برای داشتن زندگی دینی بهتر تلاش کنیم. کتاب «حق الناس و راه‌های جبران آن»، اثر علی اکبر کلانتری، یکی از کتاب‌هایی است که درباره شناخت بهتر حق الناس می‌تواند به ما یاری رساند. این کتاب در ۱۱۹ صفحه به کوشش مؤسسه بوستان کتاب منتشر شده است. نویسنده در این کتاب تلاش کرده است با زبانی ساده حق الناس را توضیح دهد تا خواننده به شناختی بهتر و جامع‌تر از این دستور دینی برسد و آن را در زندگی رعایت کند. این کتاب در هشت بخش تألیف شده است. بخش اول با عنوان «اهمیت حق الناس» به نگارش درآمده است و بخش دوم با عنوان «حقوق جانی» به بررسی راه‌های جبران آن می‌پردازد. «حقوق مالی» عنوان بخش سوم و «حقوق آبرویی» عنوان بخش چهارم از کتاب حاضر است. نویسنده در بخش پنجم از این کتاب با عنوان «حقوق خانوادگی و خویشاوندی» به تبیین حقوق پدران و مادران و حقوق فرزندان پرداخته و حقوق شوهران، همسران، دیگر خویشان و راه‌های جبران را مورد تأکید قرار داده است.

بخش ششم با عنوان «حقوق علمی، هنری و فرهنگی» به تشریح حقوق مربیان، معلمان و استادان و حقوق متعلمان و دانشجوین پرداخته و حقوق خالقان آثار علمی، هنری و فرهنگی، حقوق کاربران اقلام علمی، هنری و فرهنگی و راه‌های جبران را به رشته تحریر درآورده است.

هفتمین بخش از کتاب با عنوان «حقوق سیاسی» به بررسی حقوق حکومت بر مردم (وفاداری به بیعت و پیمان ناشکی، اطاعت و فرمان‌بری از تصمیم‌های حکومتی و پاسخ مثبت مردم به فراخوان‌های حکومتی) پرداخته و حقوق مردم بر حکومت (دین‌مداری و کارکرد حکومت بر اساس شریعت، برخورداری از عدالت، تأمین امنیت جانی و مالی مردم و رعایت اصل شایسته‌سالاری در انتخاب کارگزاران) و راه‌های جبران را بیان کرده است. «حقوق اخلاقی» عنوان هشتمین و آخرین بخش از کتاب حاضر است که در آن حقوق مؤمن بر مؤمن و حقوق همسایگان مورد تأکید قرار گرفته و حقوق میهمانان و بزرگ‌سالان و راه‌های جبران به نگارش درآمده است. در انتهای کتاب، بحث «انسان‌ها و حقوق حیوانات» مورد بحث قرار گرفته است.

شکر

۲۳شبه
۱۳۴۳شهریور
۸۴۴۴شهریور

۱۴



مهرگان

۴دلیل فضیلت تأمین معاش از منظر اهل بیت(ع)

از تو حرکت، از خدا برکت

گزارش

حمیده ذاکری | امام و پیشوای جامعه بودند، معروف و سرشناس بودند، اهل شهر آن‌ها را به بزرگی می‌شناختند و احترام می‌کردند. کارشان روشنگری بود و کرسی درس و بحثشان به‌راه، با این حال ممکن بود در یک روز گرم تابستانی، آن‌ها را مشغول کار در روی زمین ببینی. مانند پدرشان علی بن ابیطالب^(ع) کشاورزی می‌کردند و زمین‌های زیادی به دستشان آباد شده بود. امری که امروز باورش برای من و تو، غریب است و برای مردم آن روزگار هم عجیب بود. یکی می‌گفت فرزندان علی^(ع) اهل دنیا هستند. دیگری که نمی‌شناختشان، تذکر می‌داد که کار سخت را رها کن و به خودت استراحت بده، اما هیچ‌کدام نمی‌دانستند که تلاش برای معیشت خانواده و کسب روزی حلال نزد فرزندان فاطمه^(ص)، مساوی با جهاد است؛ آن‌چنان‌که از امام رضا^(ع) می‌خوانیم: «آن‌که برای تأمین معاش عائله خود فعالیت می‌کند، اجرش از مجاهد راه خدا بزرگ‌تر است.» (تحف العقول، ص ۴۴۵). اما چرا تلاش برای تأمین هزینه‌های خانواده تا این اندازه در نزد اهل بیت دارای فضیلت بود؟ در ادامه به چهار نمونه از اهداف این بزرگواران با توجه به سیره عملی و کلامی‌شان اشاره می‌کنیم.

برای دوری از فقر و فساد

همه ما می‌دانیم و باید به این امر باور داشته باشیم که روزی‌رسان همه ما خداوند متعال است. اما این حقیقت به معنی دست از کار کشیدن و تن به فقر دادن نیست. امام حسن عسکری^(ع) در این باره می‌فرمایند: «گرچه خداوند ارزاق مردم را تضمین کرده است، مبادا اندیشه ضمانت خداوند رازق، مغرورتان سازد و شما را از انجام فریضه کار و کوشش بازدارد.» (تحف العقول، ص ۴۸۹). فریضه‌ای که موجب برطرف شدن فقر و دوری از فساد است؛ آن‌چنان‌که در رهنمودی از رهبر معظم انقلاب می‌خوانیم: «کاد الفقر ان یکون کفراً. جامعه‌ای که در آن فقر باشد، بیکاری باشد... حالت آرامش ایمانی پیدا نمی‌کند. فقر، انسان‌ها را به فساد می‌کشاند، به کفر می‌کشاند؛ فقر را باید ریشه‌کن کرد».

بیانات در دیدار مردم استان ایلام در سالروز ولادت امیرالمؤمنین^(ع) / ۲۲/۲/۱۳۹۲

برای گشایش مردم

خانه اهل بیت^(ع)، خانه امید همه مردم شهر بود. این حقیقت را با نگاهی به سیره همه این بزرگواران به‌خصوص امام حسن مجتبی^(ع) و امام باقر^(ع) درمی‌یابیم. در روایت است که هیچ فردی از در خانه امام باقر^(ع) ناامید بر نمی‌گشت. شَلیمانَ بن قُرم، یکی از اصحاب امام باقر^(ع)، در این باره از آن حضرت چنین نقل کرده است: او هرگز از نیکی به برادرانش و آنان‌که به او روی می‌آوردند یا کسانی که به او امید می‌بستند و از او انتظار نیکی داشتند، خسته و ملول نمی‌شد. (بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۲۸۸) و می‌دانیم که امام حسن^(ع) اموال خود را چندبار به‌طور کامل به نیازمندان بخشید. در حقیقت خاندان اهل بیت^(ع) فعالیت اقتصادی را برای گشایش امور خلق، محترم و نیکو می‌دانستند و مصرف مال در راه‌های خیری چون صله رحم، صدقه و حج و زیارت را توصیه می‌کردند و خود در این راه نخستین بودند.

آمده است که امام صادق^(ع) به یاران و نزدیکان خود سفارش می‌کردند که کار و تلاش را بعد از خواندن نماز صبح شروع کنند و به‌اصطلاح به دنبال کسب روزی حلال بروند. همچنین از آن حضرت نقل شده است که امام زین‌العابدین^(ع) بامدادان در طلب روزی خارج می‌شد.

این بزرگواران بیکاری و سرپار دیگران بودن را نکوهش می‌کردند و به همین خاطر می‌توان گفت که هدف دیگر آن‌ها از ترویج فعالیت اقتصادی و تأمین معیشت، برای بی‌نیازی از اطرفیان و حفظ کرامت افراد است. رسول خدا^(ص) افراد بیکار را طرد می‌کرد و در این باره می‌فرمود: مطرود درگاه الهی است کسی که بار زندگی خود را بر دوش دیگران بیفتد.

(تحف العقول، ص ۳۷)

روشنا

امام علی^(ع) الضَّیْرُ جَنَّةٌ مِنَ الْفَاقَةِ
بحارالانوار، جلد ۷۷، صفحه ۲۴۰

سحر یا معجزه

موسی و فرعون تمام شد. او به اذن خدا مأمور شد که معجزاتش را نشان مردم دهد.

موسی گفت: من برای تو چیزی آشکار می‌آورم.

«قَالَ أَوَلَوْ جِئْتُكَ بِشَيْءٍ مُّبِينٍ» (شعراء: ۲۰).

فرعون شاید پوزخندی زد و گفت: اگر راست می‌گویی بیاور.

در دهشتن هم خطور نمی‌کرد که موسی بتواند معجزه‌ای بیاورد. «قَالَ فَاتَّ بِهٖ إِنَّ كُنتَ مِنَ الصَّادِقِینَ» (شعراء: ۳۱).

اما او عصایش را انداخت و ناگهان اژدهایی این‌باره هم‌خاندانمیش فوق‌العاده‌ای ترتیب‌داد تا همه انگشت به دهان بمانند. وقتی مکالمه

(شعراء: ۳۲).

همه وحشت‌زده شدند. موسی دست‌ازگریبان خود درآورد و دستانش مثل نور می‌درخشید.

«وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاطِرِینَ» (شعراء: ۳۳).

فرعون وهرکه آنجا بود، از دیدن معجزه انگشت

به دهان ماند. فرعون سعی کرد خودش را نازباد

معجزه‌ای بیابد. «قَالَ فَاتَّ بِهٖ إِنَّ كُنتَ مِنَ الصَّادِقِینَ» (شعراء: ۳۱).

اما او عصایش را انداخت و ناگهان اژدهایی این‌باره هم‌ساحری داناست. «قَالَ لِلْمَلَآئِكَةِ إِنَّ هَٰذَا لَسَاحِرٌ عَلِیمٌ» (شعراء: ۳۴).

خود درآورد و دستانش مثل نور می‌درخشید.

«وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاطِرِینَ» (شعراء: ۳۳).

فرعون وهرکه آنجا بود، از دیدن معجزه انگشت

به دهان ماند. فرعون سعی کرد خودش را نازباد

معجزه‌ای بیابد. «قَالَ فَاتَّ بِهٖ إِنَّ كُنتَ مِنَ الصَّادِقِینَ» (شعراء: ۳۱).

اما او عصایش را انداخت و ناگهان اژدهایی این‌باره هم‌ساحری داناست. «قَالَ لِلْمَلَآئِكَةِ إِنَّ هَٰذَا لَسَاحِرٌ عَلِیمٌ» (شعراء: ۳۴).

خود درآورد و دستانش مثل نور می‌درخشید.

«وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاطِرِینَ» (شعراء: ۳۳).

فرعون وهرکه آنجا بود، از دیدن معجزه انگشت

به دهان ماند. فرعون سعی کرد خودش را نازباد

معجزه‌ای بیابد. «قَالَ فَاتَّ بِهٖ إِنَّ كُنتَ مِنَ الصَّادِقِینَ» (شعراء: ۳۱).

اما او عصایش را انداخت و ناگهان اژدهایی این‌باره هم‌ساحری داناست. «قَالَ لِلْمَلَآئِكَةِ إِنَّ هَٰذَا لَسَاحِرٌ عَلِیمٌ» (شعراء: ۳۴).

صبر و بردباری سیری در برابر فقر و تنگدستی است.

قصص قرآنی موسی ۹

برای اینکه بقیه را هم تحت تأثیر قرار دهد و برای دشمنی با موسی یار جمع کند، گفت: او می‌خواهد با سحر، شما را از خاک و سرزمین خودتان بیرون کند. حالا با این تفاسیر، رای و نظر شما چیست؟ «بَرِّدْ أُنْ یُخْرِجُکُمْ مِنْ أَرْضِکُمْ بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ» (شعراء: ۳۵).

پس به این نتیجه رسیدند که هرکه را به او پیوسته است، به شهرهای دیگر بفرستند و موسی و برادرش، هارون را زندانی کنند تا روز موعود. «قَالُوا أَرْجِهٖ وَأَخَاهُ وَأَبْنٰهُ فِی الْمَدَآئِنِ خَاصِرِینَ» (شعراء: ۳۶). تاروزی که همه‌ساحران ماهر را جمع کنند که سحری بالاتر از معجزه خدا انجام دهند. اما زهی خیال باطل! «يَا تُوَكَّلُ بِکُلِّ سِحْرٍ عَلِیمٍ» (شعراء: ۳۷).

احکام

آیتا...العظمی خامنهای: آنچه امروزه به‌عنوان رهن منزل یا مغازه به مالک پرداخت می‌شود و بدین سبب مقلدزی از اجاره‌بها را کم می‌کنند، رهن نیست و درحقیقت قرضی است که به مالک منزل داده می‌شود و اگر این قرض دادن به شرط آن باشد که منزل مذکور اجاره داده شود یا از بهای اجاره مبلغی کسر گردد، ربا و حرام است. ولی اگر مالک، منزل یا مغازه‌اش را به مبلغ کمتری اجاره دهد، به شرط اینکه مستأجر مبلغی را به او قرض دهد، اشکالی ندارد.

آیتا...العظمی سیستانی: آنچه فعلا به‌عنوان رهن در میان مردم معروف است، درواقع رهن نیست، بلکه پولی را به صاحب‌خانه قرض می‌دهد و در مقابل از سکنای خانه استفاده می‌کند و این کار اگر بدون اجاره باشد، ربا و حرام است و حق ندارد در خانه زندگی کند و اگر با اجاره باشد، پس اگر قرض دادن مشروط به اجاره باشد، بازهم حرام است و اگر اجاره به شرط اجاره باشد، به احتیاط واجب جایز نیست و در مورد احتیاط مذکور می‌تواند به فقیه دیگری مراجعه کند.

آیتا...العظمی مکارم‌شیرازی: در میان بعضی از مردم معمول است که وامی به صاحب‌خانه می‌دهند و خانه او را گرو برمی‌دارند، به شرط این‌که قیمت کمتری جهت مال‌الاجاره بپردازند. یا اصلا مال‌الاجاره‌ای ندهند و آن را خانه رهنی می‌گویند. این کار ربا و حرام است. بهترین راه برای خانه‌های رهن و اجاره آن است که مالک، ملک خود را به مبلغ کمی اجاره دهد و درضمن عقد اجاره شرط کند که مستأجر فلان مبلغ را به او وام دهد و ملک مورد اجاره در مقابل آن وام رهن باشد که در این صورت اشکال شرعی نخواهد داشت.

مسئله‌ای درباره رهن منزل

پیرشش: در بین مردم مرسوم است برای آنکه مبلغ کمتری اجاره بپردازند، به مبلغ رهن خود اضافه می‌کنند. حکم شرعی این عمل چیست؟